



پرستاران در روز پرستار از روزهای کووید ۱۹ می گویند

# کرونا در اغما

یوسف حیدری  
گزارش نویس

سسیم خنک پاییزی که به شاخه‌های درخت حیاط بیمارستان می‌رسد برگ‌های زرد مثل قطره‌های باران روی زمین پهن می‌شود. چند بیمار از پشت پنجره مشغول تماشای برگ‌ریزان درختان می‌شوند و دو پرستار یکی از بیماران را با ویلچر برمی‌گردانند به بخش. دیگر خبری از هیاهوی روزهای کرونا نیست. انگار همین دیروز بود. سربلایی نفسگیر بیمارستان مسیح دانشوری جای سوزن انداختن نبود. صدای سرفه قطع نمی‌شد و با صدای آژیر هر آمبولانس چند پرستار از اورژانس بیرون می‌دویدند. روزهایی که همه جا بوی مرگ می‌داد و همه از ترس ابتلا به کرونا از هم فاصله

می‌گرفتند. خبر شهادت کادر درمان و قرنطینه شهرها و تعداد فوتی‌ها سرتیتر خبرها بود و همه با نگرانی می‌پرسیدند این روزهای سیاه کی تمام می‌شود. فداکاری پرستاران و روحیه قوی آنها در بیمارستان‌ها به همه دلگرمی می‌داد. مردم با لبخند آنها روحیه می‌گرفتند و با اشک‌های شان هنگام تشییع پیکر همگاری اشک می‌ریختند. متین محمدی به سختی نفس می‌کشد و می‌گوید این هم یادگار دوران کرونا است. چهار بار به کووید ۱۹ مبتلا شده و بعد از چند روز دوباره برای پرستاری از بیماران به بیمارستان برگشته است. می‌گوید دو سال کرونا جسم و روح خیلی از پرستاران را درگیر کرد و من هم مثل خیلی از آنها تنگی نفس گرفتم. متین پرستار بخش آی‌سی‌یو بیمارستان

مسیح دانشوری است. جایی که نام آن در روزهای سیاه کرونا سر زبان‌ها بود و تصویر بیمارانی که در حیاط بیمارستان با کمک کیسول اکسیژن به سختی نفس می‌کشیدند در خاطر خیلی‌ها باقی ماند. متین دل پری از وعده‌های عملی نشده مسئولان دارد. می‌گوید: «کادر درمان روزهای شیوع کرونا در خط اول قرار گرفت تا شاهد مرگ عزیزان کسی نباشیم. روزهایی که همه از هم دور می‌شدند ما به بیماران مبتلا به کووید ۱۹ نزدیک می‌شدیم. من پرستار بخش آی‌سی‌یو هستم و طی این مدت ۴ بار مبتلا شدم. روزهای سختی بود و بعد از چندبار ابتلا گفتند شما باز هم مبتلا می‌شوید و نیروی جایگزین نداریم و بعد از سه روز استراحت باید به بیمارستان برگردید. اگر این روزها خیلی از مردم

فرودکش کردن کرونا به هیچ کدام عمل نکردند. یکی از آنها موضوع تعرفه خدمات پرستاری بود که به تصویب هم رسید ولی فقط ۳۰ درصد آن پرداخت شد و از بقیه‌اش خبری نشد. ما نسبت به این موضوع گلایه داریم و امیدوارم ریاست محترم جمهور به این موضوع ورود کنند. آن روزها قول‌هایی هم مبنی بر افزایش حقوق دادند که عملی نشد. از کرونا چیزی که برای ما ماند عوارض جسمانی آن است.»

غلامرضا گوگوانی پرستار بیمارستان حضرت رسول اکرم(ص) فریدون شهر اصفهان می‌گوید: «این روزها خبر قرنطینه دوباره ووهان و شانگهای چین ما را نگران می‌کند. ما در خط اول مبارزه با کرونا و درمان بیماران قرار داشتیم و بیشتر از دیگران آرزو می‌کنیم آن روزهای سیاه هرگز تکرار نشوند. دو سال کرونا برای ما ۱۰ سال گذشت. چند روز قبل وقتی خبر و فیلم‌های قرنطینه دوباره چند شهر چین را دیدم، نگران شدم.»

سال ۹۸ نام کشور چین و شهر ووهان در صدر اخبار قرار داشت و زودتر از آن چیزی که فکرش را می‌کردیم ویروس منحوس کرونا وارد ایران شد. در شهر کوچکی مثل فریدون شهر که تخت بیمارستانی زیادی ندارد یکباره حجم زیادی از بیماران مبتلا به کرونا به بیمارستان مراجعه می‌کردند. ما آمادگی چنین بحرانی را نداشتیم. کادر درمان بیمارستان با همه وجود از جان مایه گذاشتند. آن روزها شناخت زیادی از این ویروس نبود و فقط تلاش می‌کردیم بیماران را با هر روشی که به ذهن ما می‌رسد از مرگ نجات دهیم. پرستاران به خودشان فکر نمی‌کردند و به همین دلیل خیلی از آنها مبتلا شدند و تعدادی هم به شهادت رسیدند. دو سال کرونایی اثرات نامطلوبی بر روحیه پرستاران گذاشت. دو سال دوری از خانواده و مرخصی نرفتن و فشار کاری تأثیر پدی داشت اما خدا را شکر که این کابوس تمام شد. بیمارستان ما آی‌سی‌یو ندارد و بیمارانی را که بدحال بودند با آمبولانس

## روزیهای ابتدای شیوع این ویروس مرگبار، پرستاران با جان و دل از بیماران مراقبت می‌کردند. هر شب با ترس و نگرانی از اینکه ممکن است خانواده مبتلا شوند به خانه می‌رفتیم و صبح روز بعد با پوشیدن لباس و گان باید به کمک بیمارانی می‌رفتیم که حتی خانواده‌هایشان حاضر نمی‌شدند کنارشان باشند.

سه ماه اول شیوع این ویروس تعداد فوتی‌ها خیلی بالا بود و داروی مشخصی هم برای درمان وجود نداشت. روزهای سیاه کرونا بخشی از خاطرات تلخ ما شد، اما خوشحالیم که بالاخره این کابوس هم تمام شد و امروز فقط یک بیمار مبتلا به کرونا در بخشی که من هستم، بستری است

به اصفهان می‌فرستادیم. همه تخت‌ها پر بود و بیماران جدید را توی راهرو بستری می‌کردیم. همان روزها من هم مبتلا شدم و ۱۰ روز در آی‌سی‌یو بستری بودم. هر کدام از پرستاران مبتلا می‌شد بقیه باید جای او را پر می‌کردند و بعد از بهبودی نسبی دوباره به بیمارستان برمی‌گشتیم. همه اضطراب داشتند و هر بار خبر شهادت یکی از پرستاران یا فوت یکی از بیماران را می‌شنیدیم و درمان می‌لرزید. خبری از مسافرت هم نبود و در عین حال مجبور بودیم از خانواده فاصله بگیریم.»

غلامرضا سرم یکی از بیماران را تزریق می‌کند و با لبخند ادامه می‌دهد: «آن‌شاءالله که دیگر آن روزها بر نمی‌گردند. بعد از واکسناسیون گسترده خدا را شکر وضعیت تغییر

کرد و مردم نسبت به این ویروس ایمنی پیدا کردند. روز پرستار سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ برای کادر درمان تلخ بود. جای خالی همکاران را بیشتر از گذشته حس می‌کنیم. البته هنوز کرونا تمام نشده و بیماران مشکوک به کووید ۱۹ -هرچند کم شمار- در بیمارستان ما بستری می‌شوند ولی خدا را شکر قدرت کشندگی آن خیلی کم شده است.»

در اوج کرونا اپراتور بیمارستان مسیح دانشوری مدام نام مریم سمیعی نژاد را صدا می‌زد تا زودتر به ایستگاه پرستاری برود. می‌گوید بیمارستان مسیح دانشوری سانتر بیماران تنفسی است و از ابتدای پاییز با شیوع آنفلوانزا بیماران زیادی اینجا بستری می‌شوند. بعلاوه او هم عوارض روانی دوران کرونا را بیشتر از عوارض جسمانی می‌داند و می‌گوید: «خیلی از پرسنل کادر درمان دچار عارضه‌های قلبی و گوارشی شده‌اند. همین عوارض جسمانی روح و روان آنها را هم تحت تأثیر قرار داده است. من دومین پرستاری بودم که روزهای شیوع کرونا در بیمارستان مبتلا شدم. سال‌های قبل از شیوع کرونا با بیمارانی سروکار داشتیم که مرگ این بیماران کمتر از کرونا نبود اما وحشتی که این ویروس ناشناخته ایجاد کرد باعث شد مردم از لحاظ روانی تسلیم شوند.

روزهای ابتدای شیوع این ویروس مرگبار، پرستاران با جان و دل از بیماران مراقبت می‌کردند. هر شب با ترس و نگرانی از اینکه ممکن است خانواده مبتلا شوند به خانه می‌رفتیم و صبح روز بعد با پوشیدن لباس و گان باید به کمک بیمارانی می‌رفتیم که حتی خانواده‌هایشان حاضر نمی‌شدند کنارشان باشند. سه ماه اول شیوع این ویروس تعداد فوتی‌ها خیلی بالا بود و داروی مشخصی هم برای درمان وجود نداشت.

روزهای سیاه کرونا، بخشی از خاطرات تلخ ما شد اما خوشحالیم که بالاخره این کابوس هم تمام شد و امروز فقط یک بیمار مبتلا به کرونا در بخشی که من هستم، بستری است.»

## یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۵ - شبیه - بانگ حاکی از تشویق کسی - برابر - بگرد! ۴ - برودت - پاکیزه کردن نفس - چوب خوشبو ۶ - حرف ربط - جالب و جذاب - جای عکس! ۷ - خسیس - لقب شهر «ژوهانسبورگ» - بیهوده و بی‌معنی ۸ - دانه‌های ریز بساک گیاه - سرزمین بلقیس - تجهیز شده ۹ - سوراخ گوش - نوعی خرگوش - محاسن ۱۰ - نوعی یاقوت - شهری در «غانا» - منقار کوتاه ۱۱ - پیچش‌مو - بدبختی - نزدیکان ۱۲ - از اجزای پیراهن - رودی نزدیک عراق - آشکار شدن نامی دخترانه ۱۳ - نوعی پیچ گوشتی - سامانه - بازایستادن ۱۴ - پدر عرب - طریق - وسیله‌ای در آشپزخانه ۱۵ - پدر از دست داده - بازیگر «پلیس آهنی»

۹ - مناره دریایی - فیلمی از نوید پورفرج - بازیگر سریال «از یادهارفته» ۱۰ - علامت مصدر جعلی - لباس بی‌آستر - آگهی ۱۱ - خمیده - شهری در استان ایلام - پسوند شباهت ۱۲ - فرمان - غنی از بتاکاروتن - گوشت آذری - سوغاتی از کجرات ۱۳ - قسمت نرم جلوی سر نوزاد - زبردست - دقت غیرعادی ۱۴ - امتحان - متین - نیروبخش ۱۵ - فیلمی از یلدا جبلی - شیره درخت افرای قندی

۱ - خطرناک بودن - از عناصر شیمیایی - امتداد ۹ - پسوند رنگی - پوشش خیابان - بی‌جان ۱۰ - خسی اندک - وقت تلف کردن - جمع زاویه ۱۱ - نژاد ایرانی - گردآوری و تدوین - ضمیمه شمار ۱۲ - واحد شمردن اسب - تخته نازک - مقابل «آری» - انبار غله ۱۳ - ایالت آمریکا - دیرینگی و سابقه - گزارش ۱۴ - ریاست - کلی پیرگ - پرنده فاخته ۱۵ - فرمانده و ناخدای کشتی - بی‌منطق و نامناسب

۱ - فرض آرام‌بخش معروف - اقدام به کار خطرناک ۲ - ورقه اداری مؤسسات - مرمر - قلعه ۳ - بسیاری و فراوانی - درست و کامل - مهارت فوتبالی ۴ - تا آنکه - دروین اینترنتی - مساوی - تصدیق ادبی ۵ - یارها ردی! - گردآوری و تدوین - ضمیمه متصل ۶ - ضمیمه غایب - جست و جوگر - سلیقه‌ها ۷ - بانگ کلاغ - درس اقلیمی - اشرار ۸ - عضوی در نای پرنده گان - مقابل - لاله گوش ۹ - مخاطره‌آمیز و پراهمیت - موجب، مسبب - از ضمایر متصل ۱۰ - دریغا - زور قوه - از اساطیر مصر ۱۱ - جشن مردم ویتنام - شهری در استان مازندران - بزرگواری و شکوه ۱۲ - پستاندار دریایی - ابرزمینی - مزدور - اندیشه ۱۳ - شهری در استان گیلان - خورشفت چرب - ته‌نشین مایعات ۱۴ - کیوتتر صحرایی - اصطلاحی در هنرهای رزمی - شخصیتی در کارتون «سفرهای مینی کومان» ۱۵ - پرنده کلنگ - سربالی در حال پخش از شبکه یک با حضور مهبران رجبی و سروش جمشیدی

۱ - زمین ساخت - این رودخانه از کوه سهند سرچشمه می‌گیرد ۲ - ذره‌ای در شیمیایی - شیوره برخی درختان - تلاش برای پیشی جستن در کاری ۳ - مددکار - خانه بزرگ با حیاط‌پر درخت - میدانی در تهران ۴ - عدد انگشتان هر پا - شریان بدن - گور - نقره ۵ - کلمه شگفتی - پیوسته و مدام - نمونه ۶ - از وطن دور افتاده - میوه خون‌ساز - من و او ۷ - کماندو - مرگ‌موش - فراموشی ۸ - خانه‌ها - مطابق و برابر - متضاد «تحقیر»

Table with 15 columns and 15 rows for a crossword puzzle. The grid is partially filled with numbers 1-15. The numbers are arranged in a checkerboard pattern.

Table with 15 columns and 15 rows for a crossword puzzle. The grid is partially filled with numbers 1-15. The numbers are arranged in a checkerboard pattern.

## جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ در ۳ یکبار دیده شود

Sudoku grid with 9 columns and 9 rows. The grid is partially filled with numbers 1-9. The numbers are arranged in a checkerboard pattern.

Sudoku grid with 9 columns and 9 rows. The grid is partially filled with numbers 1-9. The numbers are arranged in a checkerboard pattern.

Sudoku grid with 9 columns and 9 rows. The grid is partially filled with numbers 1-9. The numbers are arranged in a checkerboard pattern.